

یکی از ضعف‌ها و چالش‌هایی که در روابط ایران و چین وجود دارد مربوط به ضعف و کم‌توانی سفیران ایرانی است. به طوری که در دوره قبل شاهد آن بودیم که در کشور چین یا سفیر نداشته‌ایم یا در بعضی مواقع سفیران ما خیلی ضعیف عمل کرده‌اند. در حال حاضر نیز سفیر محترمی که در چین حاضر است، می‌تواند با انجام اقداماتی ویژه سطح روابط دو کشور را ارتقا دهد



مشاهده کرد، به طوری که در آن دوره با وجود توانمندی‌هایی که چینی‌ها داشتند شرکت‌های فعال چینی را حذف کردند. همین امر منجر به ناراحتی آنها شد؛ بنابراین شاید آنها برای بازگشت به محیط اقتصادی کشور ما، خواهان تضمین باشند. زیرا در حال حاضر محیط تجاری اقتصادی ایران را یک محیط پریسک می‌دانند. یکی از مشکلات کشور ما این است که متأسفانه نگاه جناحی و حزبی خود را به حوزه منافع ملی و دیپلماسی تأمین می‌دهند و همین منجر به آسیب رسیدن به اقتصاد کشور می‌شود. در حالی که سایر کشورها همچون عربستان علاوه بر اینکه در حال حاضر با کشورهای غربی همکاری دارند با چین نیز بیشترین توافقنامه‌ها و همکاری‌ها را منعقد کرده‌اند.

یکی از ضعف‌ها و چالش‌هایی که در روابط ایران و چین وجود دارد مربوط به ضعف و کم‌توانی سفیران ایرانی است. به طوری که در دوره قبل شاهد آن بودیم که در کشور چین یا سفیر نداشته‌ایم یا در بعضی مواقع سفیران ما خیلی ضعیف عمل کرده‌اند. در حال حاضر نیز سفیر محترمی که در چین حاضر است، می‌تواند با انجام اقداماتی ویژه سطح روابط دو کشور را ارتقا دهد. اما عملاً ما به نوعی با انفعال روبه‌رو هستیم و متأسفانه این نوع فعالیت را از طرف سفیر خود در چین مشاهده نمی‌کنیم. در حالی که ایشان در آنجا می‌توانند به خوبی بحث رایزنی‌ها، ارائه و معرفی توانمندی شرکت‌های ایرانی، استفاده از توانمندی‌های چینی و اقداماتی از این قبیل را انجام دهد. اما متأسفانه ما با نوعی ضعف روبه‌رو هستیم که برای برطرف کردن آن باید دستگاه دیپلماسی کشور فردی که هم قدرتمند باشد و هم آشنا به سلسله مراتب کشور چین را انتخاب کند تا بتواند با شناختی که از سیاست خارجی چین دارد، چشم‌اندازهای مربوط به ایران را مورد بررسی قرار دهد.

چینی‌ها توجه ویژه‌ای به این مگاپروژه دارند و ما نیز می‌توانیم در قالب آن در سه حوزه سرمایه‌گذاری در حوزه لجستیک، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی طرح‌های تولیدی و صنعتی و همکاری‌های تجاری با آنها همکاری کنیم. حال اگر این کریدور را در کشور فعال کنیم طبیعتاً می‌توانیم صنایع تولیدی و تجارت خود را نیز افزایش دهیم. اما باید در نظر داشته باشیم در فضای تحریمی حاکم در کشور به علت اینکه همکاری مالی و بانکی ما از کانال بانکی امکان‌پذیر نیست انجام این کار نیازمند اراده حاکمان سیاسی دو کشور است. در این قالب می‌توانیم همکاری‌های ویژه‌ای همچون تصفیه‌های مالی، سوآپ ارزی، استفاده از توانمندی‌های چین برای تأمین و تجهیز لجستیک کشور، افزایش همکاری‌های تجاری و... را داشته باشیم. در حوزه لجستیک باید یک اولویت‌بندی را در نظر بگیریم، من معتقد هستم نباید در این دسته‌بندی ترانزیت را در اولویت قرار دهیم. بلکه باید در اولویت مواردی همچون تولیدات صنعتی، لجستیک و در گام سوم موضوع ترانزیت را مدنظر قرار دهیم. زیرا اگر بخواهیم کشور را از نظر ترانزیتی تجهیز کنیم و خود را این گونه به جهان معرفی کنیم ممکن است روابط سیاسی ما با این کشور مشکلاتی پیدا کند و دیگر تمایلی به استفاده از این مسیر نداشته باشد.

شاهد نشان می‌دهد چینی‌ها در دوره بعد از برجام از دولت وقت ایران کله‌مند شدند. در دولت قبل چه اتفاقی افتاد که چین از ما دلخور شد؟

متأسفانه دولت‌های دوازدهم و دوازدهم خیلی غرب‌گرا بود و توجه ویژه‌ای به کشور چین و توانمندی‌های آن و کشورهای شرق آسیا نداشت. نماد بارز این موضوع را می‌توان در فضای پساتوافق برجام